

جامعه‌شناسی دینی – اسلام‌شناسی اجتماعی  
آیا حکومت و شریعت اسلامی قرآنی و الهی اند؟

---

# قرائت قرآن «غیر دینی»

جلد ۱

محدودیت‌های قرآنی و  
تحریفات قرائت «رسمی و با واسطه»

رضا آیرملو

پروفسور جامعه‌شناسی - سوئد

توجه: برای تهیه کتاب به کتابفروشی‌های معتبر در اروپا و آمریکا و یا مرکز  
توزیع آن در آلمان، کتابفروشی فروغ تلفن: ۰۰۴۹۲۲۱۹۲۳۵۵۷۰۷ و فاکس  
۰۰۴۹۲۲۱۲۰۱۹۸۷۸ مراجعه فرمائید.

(این صفحه فقط برای درج در اینترنت اضافه شده است. دوستانی که کتاب را  
چاپ می‌کنند می‌توانند از این صفحه صرف نظر کنند.)

آدرس برای اظهار نظر: [gghevredini@yahoo.com](mailto:gghevredini@yahoo.com)

## فصل ۳

### جمع‌بندی - تحریفات پیامبران دروغین «اسلام رسمی»

#### - مشت نمونه خروار

به تکرار یادآوری می‌شود که نام‌ها و موضوعاتی که در این بخش عنوان شده، در مقام مقایسه با آن همه شریعت‌سازان اسلامی از مفسر، متکلم و فقیه تا قاضی، عالم و حاکم اسلامی که در طول تاریخی به درازی ۱۴۰۰ سال به نوسازی و بازسازی معنی و مفهوم قرآن دست زده‌اند، فقط مشت‌های از خروارها را می‌مانند. از نظر معنی و مفهوم قرآن نیز، این‌ها نمونه‌هایی نه چندان تمام‌عیار از دست‌بردن‌ها، ابداعات و تحریفات نوع به نوع دینی و غیردینی این دوره طولانی تاریخی‌اند.

این همه نشان می‌دهد که دست‌بردن در معنی و مفهوم قرآن، و سانسور و تحریف آیات، فقط از تعدادی مترجم و مفسر قرآن سرزده و نمی‌زند. این همه بلکه، تداوم سنتی شایع در سرتاسر تاریخ اسلام و حکومت اسلامی پس از رسول است و سابقه‌ای به درازی حکومت‌های دینی و اسلامی دارد. از این رو، ذکر نام این یا آن متشرع و نشان دادن این یا آن مورد از تحریف کلام منسوب به خدا در این کتاب، به این معنی نیست که کار سانسور و تحریف آیات قرآن فقط محدود به این چند نفر متشرع و مفسر است، یا موارد تحریف فقط در این حد و اندازه محدود می‌شود.

دخالت و تحریف هر کدام از این‌ها همانند تکه سنگی از بنای عظیمی است که هزاران متشرع و شریعت‌ساز اسلامی در ساختن و پرداختنش دخیل بوده، شرکت داشته و نقش ایفا کرده و می‌کنند.

دخالت هزاران فرد و فرقه در معنی و مفهوم آیات معروف به "وحی خدا" و تداوم سنتی چنین فراگیر از اصلاح و تحریف قرآن معروف به "کلام الله" در طول تاریخی چنین طولانی، نه فقط محتوی آیات و معنی و مفهوم این «کتاب دینی» را تغییر داده، بلکه همچنین بر این امر گواهی می دهند که:

- اطلاعات دینی ناشی از «قرائت با واسطه و رسمی موجود» فاقد صحت دینی و الهی است.

این هم دلیل دیگری است مبنی بر این که اسلام حکومت گری که امروزه برای "دانش دینی" «با واسطه و رسمی» خود، تبعیت دینی و سیاسی می طلبد، بر اثر این همه دخالت های «بشری» در معنی و مفهوم قرآن، فاقد اعتبار دینی است و با وجود این همه خدشه و تحریف، در یک ارزیابی بی طرفانه، «غیر دینی» و حتی «ضد مبانی دینی و اسلامی» است.

تحریفات چنین همه جانبه، «غیر دینی» و «ضد دینی»، در طول زمانی چنین طولانی، فکر و ذهن انسان مسلمان را با باورهای تحریف شده و خرافه اجتماعی و فرهنگی پر کرده و از راه سرکوبی مستمر دینی و عقیدتی، به شست و شوی مغزی توده های محروم مسلمان انجامیده است.

### - معیارهای "اخلاق دینی" و شیوه های رایج تحریف

ابداعات و سلیقه های متفاوت فردی و منافع فرقه ای، نقش مهمی در تحریفات دینی ایفا می کنند و در واقع، "هر که آمده امارتی نو ساخته" است. با این وجود، شیوه ها و موارد رایج تحریفات دینی اکثراً مشابه، همانند و تکراری اند. در همه این ها:

الف- تعهد دینی بسیار ضعیف عمل می کند و ایمان دینی هیچ مرز و مانعی برای دست بردن در کلام منسوب به خدای قرآن ایجاد نمی کند.

ب- دخالت های انسانی تا رد صلاحیت های دینی پیش می روند و اکثراً توان خدائی که باید قادر، توانا و دانای مطلق باشد، به سادگی به هیچ انگاشته می شود.

ج- رسم بی طرفی در ترجمه و تفسیر متون به کلی فراموش شده است. مرزهای تفسیر از حد توضیح ساده موضوعات دینی گذشته و ابداعات بشری، به سادگی به زبان قرآن بیان می شوند و با "وحی الهی" معادل قرار داده می شوند.

مفسرین قرآن عادت دارند با صغرا و کبرا کردن متون آیات، از طریق مراجعه به احادیث اکثراً جعلی<sup>۲۰۴</sup> و با پیش کشیدن روایات متعارض و غیر قابل اعتمادی که "شان نزول" خوانده می شوند، معنی و مفهوم دلخواه خود را بر آیات قرآن تحمیل کنند. و در واقع، خواست خود را به نام خدا و قرآن به بازار آورند. آنان که اهل تأویل اند<sup>۲۰۵</sup>، از آن میان اهل طریقت و شیعیان، حتی در صورت لزوم پا را از این هم فراتر می گذارند و وقتی استخراج معنی و منظوری از قرآن از راه جعل حدیث و روایت ناممکن می شود، معنی و مفهومی می سازند که نه نسبتی با متن اصلی آیه و قرآن، و نه قرابتی با معنی ظاهری آن ها دارد.

برای نمونه دیدیم که مثلاً شریعتی با تردستی تمام، کلمه «مستضعفین»، که در قصه ای از قرآن برای نامیدن گروهی از قوم یهود زمان فراعنه مصر به کار رفته، را مورد "تفسیر" قرار می دهد. و با این «چشم بندی کلامی»، با تغییر معنی و مفهوم آیه و همچنین زمان و مکان مورد نظر قرآن، برای زمان حاضر و امروزه روز، حکم دینی و معنی قرآنی می سازد. در نتیجه، معنی و مفهوم ساخته و پرداخته شریعتی از کلمه «مستضعفین»، نه آن است که در قرآن قید شده، و نه آن است که پیامبر این آیات نقل کرده، یا پیشینیان متکلم و مفسر وی در طول تاریخ مطرح ساخته اند.

اهل تأویل حتی این گونه دست بردن در معنی کلمات و جملات را کافی به منظور خود نمی بینند و به جای آن، معنی و مفهوم مورد نظر خود

<sup>204</sup> ر. ک. به بحث مربوطه در فصل «تحریف معنی و مفهوم قرآن با احادیث جعلی» در جلد سوم این کتاب.

<sup>205</sup> به معنی طرح و نتیجه گیری موضوعی که در متن ظاهری آیات هیچ معادلی ندارد و به اصطلاح، «باطنی» است. تفسیر، حداقل محدود به توضیح ظاهر کلمه و جمله آیات است، اما در تأویل هیچ تعهدی به ظاهر نظم و نثر وجود ندارد (برای اطلاعات بیشتر ر. ک. به بحث مربوطه در جلد سوم این کتاب).

را به عنوان «معنی باطنی» کلمه، جمله و آیه قرآن به کار می گیرند. اینان به طور مثال با مراجعه به آیه مربوط به تعداد برادران یوسف، بدون هر اشاره و نشانه‌ای، عدد دوازده را اشاره به ۱۲ امام شیعیان دوازدهه قرار می دهند، یا با مراجعه به سوره یوسف "که حاوی داستان تورات درباره یوسف است، همچون «فاجعه مبارزه خصایص گوناگون روح انسانی» توجیه و تأویل کرده، یعقوب را نماینده «تفکر»، یوسف را «قلب حساس»، و ده برادر او را نماینده «پنج حس باطنی و پنج حس ظاهری» معرفی می کنند»<sup>۲۰۶</sup>.

#### - نفع طلبی های دنیوی، انگیزه اساسی تحریف تاریخی

در مثال های پیشین تجربه شد که شریعت سازان مورد مثال به دو انگیزه عمده: ۱- نفع طلبی های دنیوی<sup>۲۰۷</sup> و ۲- فاناتیسم دینی، دست به تحریف معنی و مفهوم آیات قرآن می زنند، یا بر اصلاح، سانسور و تحریفات قرآن مهر تأیید زده و چراغ سبز روشن می کنند. این چگونگی نیز تاریخی به درازای تاریخ اسلام در پشت سر دارد. در جلد های بعدی این کتاب خواهیم دید<sup>۲۰۸</sup> که از نظر تاریخی، بازیگران علم کلام، بازی های تفسیر و تأویل قرآن را با آغاز «حکومت دینی» خلفا آغاز کردند. آنان به احکام و فرامین اربابان دینی اعتبار دینی و قرآنی قائل شدند و به نام دین و خدا، مردم مسلمان را مجبور به تبعیت از اربابان و شریعت دینی کردند. این کار با گذشت زمان و عمده شدن حکومت دینی و همچنین با گذر از «ایمان دینی» به «تعلقات فرقه ای» و «منافع دنیوی»، تا به حد ابداع معانی و مفهومی که نه در قرآن بیان شده و نه پیامبرش از آن خبر داشته، توسعه یافت:

- کسانی روایت ساختند،

- جمعی به تولید و جعل حدیث و فروش<sup>۲۰۹</sup> آن روی آوردند و،

<sup>206</sup> پطروشفسکی، اسلام در ایران، ص ۱۲۷-۱۲۸.

<sup>207</sup> ر. ک. به فصل «علل و انگیزه های دست بردن در معنی و مفهوم قرآن» در جلد سوم این کتاب.

<sup>208</sup> ر. ک. به فصل «تکوین تاریخی حکومت و شریعت اسلامی» در جلد سوم این کتاب.

<sup>209</sup> ر. ک. به فصل «تحریف معنی و مفهوم قرآن با احادیث جعلی» در جلد سوم این کتاب.

- عده ای با استفاده از این احادیث جعلی و به کارگیری تفسیر و تأویل، به بیان معنی و منظور خود به زبان "وحی" و خدا کوشیدند، یا با مقایسه آیات با همدیگر و به اصطلاح از راه تفسیر «قرآن با قرآن»، مفاهیم جدید دینی و دنیوی استخراج کردند.

بعداً به تفصیل توضیح داده خواهد شد.<sup>210</sup> که زمانی طولانی از فوت رسول نگذشت که فروپاشی سیستم اسلامی با خروج نومسلمانان از اسلام آغاز شد. خلفای اولیه اسلامی با زور شمشیر از این خروج از دین و «فروپاشی ظاهری» اسلام جلوگیری کردند، ولی با این وجود:

- «فروپاشی ناپیدای محتوی دینی» ادامه یافت. به زودی «حکومت دینی و تبعیت شرعی ناشی از آن» به جای «ایمان به خدای واحد» نشست و فرمانبری از حاکمان اسلامی، به اندازه اطاعت از خدای خالق، مقدس و لازم الاجرا فرض شد.<sup>211</sup> از این جا، دست بردن در معنی و مفهوم قرآن، همچون یکی از واجبات و ضروریات «حکومت دینی و اسلامی» به سنتی پایدار تبدیل شد.

این بود که از آغاز، هدف تحریفات، ساختن احکام لازم برای فروش در بازار قدرت و سیاست، و برای سوار شدن بر احساسات ایمانی توده های محروم و ناآگاه بود:

- حکومت ها مشروعیت دینی و قرآنی لازم داشتند.  
- قاضی اسلامی برای اجرای اوامر حاکمان دینی، احتیاج به حکم دینی داشت.  
- شلاق محتسب و تیغ جلاد، با قرائت آیه های قرآن توجیه و تحمیل می شدند.  
- گرفتن جان و مال، ستاندن غنیمت و غرامت دینی، و همچنین ابقای برده داری و تقدیس ثروت و شوکت طبقاتی جوامع اسلامی، نیازمند استخراج حکم و فرمان دینی از راه تعبیر و تفسیر بود.

<sup>210</sup> ر. ک. به فصل «عدم مشروعیت دینی حکومت دینی و اسلامی» در جلد سوم این کتاب.

<sup>211</sup> ر. ک. به فصل «شمارش معکوس دینی» در جلد سوم این کتاب.

این همه جز از راه دست بردن در معنی و مفهوم قرآن و استخراج منظور و نظر مورد نیاز روز از آیات این «کتاب دینی» ممکن نبود. می‌گویند<sup>۲۱۲</sup> ابداع، ایجاد و بدعت سیاسی و اقتصادی از این دست، حدود ۳۰۰ سال طول کشید تا تفسیرها و دست بردن‌ها در معنی و مفهوم آیات قرآن، منجر به ساخته و پرداخته شدن فقه اسلامی، مذاهب دینی و فرقه‌های مذهبی شدند و از این راه، شریعت‌های نوع به نوع اسلامی ظهور کرده و بر پا ایستادند.

\*\*\*

با این وجود، این جا پایان خلاقیت‌های دینی و دخالت‌های انسانی در متون منسوب به خدا نبود. از آن پس نیز شریعت‌سازان مذاهب و فرقه‌ها بیکار ننشستند.

- حاکمان دینی می‌باید مشروعیت کسب می‌کردند، یا هر از گاهی به تجدید مشروعیت دینی خود دست می‌زدند.

- یکی جنگ می‌خواست و فتوای قرآن را لازم داشت و دیگری طالب صلح بود.

- یکی مالیات می‌ستاند و دیگری به نام خدا و اسلام، مال و دارائی به یغما می‌برد.

- اربابان دینی برده‌دار و زمین‌دار در برابر طبقات بردگان و برزگران نیازمند حکم قرآنی بودند.

- آنان حتی برای شلاق زدن، دست بریدن، سنگسار کردن، جان و مال ستاندن، حرمسرا ساختن، امرود بازی و به بردگی کشاندن و خرید و فروش زنان و کودکان مردم مسلمان، نیاز به تفسیر و تأویل آیات داشتند.

این بود که "هر که آمد عمارتی نو ساخت" و هر نورسیده‌ای معنی و مفهومی جدید به آیات قرآن افزود: آیه ساخت و حکم شرعی به وجود آورد. از همه این‌ها، مفاهیم و قرآن یا قرآن‌هائی فراهم آمد، که اگر

---

<sup>212</sup> ر. ک به فصل «بازنویسی معنی و مفهوم "کلام الله"» در جلد سوم این کتاب.

هم «نظم و نثر» یکسان داشتند، از نظر «معنی و مفاهیم» آن نبودند که در زمان نزول مطرح بود، یا بیان می شد. در مثال های آغازین کتاب، تجربه کردیم که این معانی حتی به افق هائی نظر دارند که در زمان پیامبرش شناخته نبودند:

- بازرگان فرمول های مکانیک را وارد آیات قرآن کرد.
- طالقانی تئوری نجوم را در قرآن یافت.
- شریعتی انقلاب مستضعفین و رهائی امت امامان علوی را لباس قرآنی پوشاند.
- علی اکبر قرشی وفاداری به امام وقت انقلاب اسلامی را قرآنی کرد

و و و.

بدین ترتیب قرآن از نظر «معنی و مفهوم» به وسیله هر مذهب و فرقه که نه، حتی از سوی هر فرد و دسته اسلامی بازنویسی شد و در آن هم نمانده، به بازبینی های مکرر دچار آمد. این سنت یک قرآن با صدها محتوی و معنی و مفهوم، به وجود آورد. تولید قرآن های جدید، که نظم و نثر یکسان ولی معنی و مفهوم مختلف و متفاوتند دارند، امروزه روز هم دوام می آورد.

- **محتوی "کلام الله" - «نظم و نثر» یا «معنی و مفهوم»**  
بحث از «تحریف» قرآن و آیاتش، توضیح محتوی آن چه "کلام الله" نامیده می شود را لازم می شمارد. بدون توضیح این ترم دینی نمی توان دست بردن های شریعت سازان در «معنی و مفهوم» قرآن را تحریف نامید و اینان را متهم و محکوم به عمل ضد دینی کرد. در فصل «آثار نزول قرآن کلام الله» در جلد دوم این کتاب به این سؤال پاسخ داده می شود که آیا آن چه "کلام الله" خوانده می شود، «نظم و نثر» قرآن است یا «معنی و مفهوم» آن. در این معنی، آیا «دست بردن در قرآن»:

- به معنی دست بردن در «نظم و نثر» قرآن است یا،
- به «تغییر معنی و مفهوم» آیه و قرآن گفته می شود.



در فصل مربوطه توضیح داده شده که آیات مختلف قرآن، آدرس های مختلفی در مورد منشأ «نظم و نثر» قرآن به دست می دهند. از اینان آیاتی دلالت بر آن دارند که نظم و نثر قرآن از آن خداست (آیه ۱۰۱ سوره النحل؛ آیه ۶ سوره النمل و آیات متعدد دیگر). آیاتی نظم را از آن فرشته ای به نام جبرئیل یا روح الامین می دانند (آیه ۱۰۲ سوره النحل، آیه ۱۰۲ سوره النحل، آیات ۱۹۳-۱۹۴ سوره الشعراء، آیات ۹۷-۹۸ سوره البقره، آیات ۲۰-۲۱ سوره التکویر) و آیاتی نیز آن را کار رسول کریم (آیه ۴۰ سوره الحاقه) معرفی می کنند<sup>۲۱۳</sup>.

اما اگر در این مورد که چه کسی نویسنده «نظم و نثر قرآن» است، آیه ها متفاوتند و بحث ادامه دارد، در مورد تعلق «معنی و مفهوم قرآن» به شخص خدا، نه آیه ها متفاوتند و نه شریعت سازان مختلف تفسیرهای مختلف می آورند، یا می توانند بیاورند. اکثر شریعت سازان اسلامی، چه متکلمان و مفسرین یا فقهای اسلامی متفق القولند که از زاویه دید آیات موجود:

- در تعلق «معنی و مفهوم قرآن» به خدا هیچ جای بحث و گفتگو وجود ندارد. طبق این آیات، این «معانی و مفاهیم» از کتاب و لوح محفوظی که در پیش خداست برداشته شده و به وسیله «نظم و نثر» خدا، یا دیگران در قرآن آمده است. به بیان دیگر:

- حتی اگر آیه های قرآنی دال بر واگذاری «نظم و نثر» به دیگران، فرشته یا انسان، وجود دارد، در مقابل،

- هیچ آیه قرآنی دال بر واگذاری و تفویض اختیار خلق «معنی و مفهوم» قرآن به کسی، چه فرشته یا انسان، نیست.

بر اساس این اطلاعات دینی:

- حتی اگر «نظم و نثر» قرآن را فرشته ای یا بشری هم نوشته باشد،

- «معنی و مفهوم» قرآن به خدا تعلق دارد و در واقع، منظور از «کلام الله»، همان «معنی و مفهوم آیات قرآن» است.

<sup>213</sup> ر. ک. به فصل «منبع و چگونگی نزول کتاب دینی قرآن» در جلد دوم این کتاب.

جمع بزرگی از شریعت سازان فرقه های مختلف اسلامی، به طور تئوریک هم که شده در این مورد هم نظرند و بشری کردن «معنی و مفهوم» قرآن را به معنی دست بردن در کلام و "وحی" خدا می دانند. اینان از نظر برابر سازی ترم اسلامی "کلام الله"، عمدتاً به دو گروه عمده تقسیم می شوند. به نظر گروهی:

- "کلام الله" عبارت از «معنی و مفهوم»<sup>214</sup> قرآن است و به نظر گروه دیگر:

- "کلام الله" عبارت از «معنی و مفهوم» و «نظم و نثر» قرآن است. به بیان دیگر، در همه حال، یعنی هم بر اساس آیات قرآن و هم «نظر رسمی» شریعت سازان فرقه های گوناگون اسلامی در همه حال: - «معنی و مفهوم» قرآن معادل با "کلام الله" شمرده می شود و - دست بردن در «معنی و مفهوم» قرآن، یا تغییر آن به هر نیت و سببی، به معنی دست بردن در "کلام الله" و تحریف و خدشه دار کردن "آیه و وحی خداست".

با این وجود، به طوری که بعداً به تفصیل توضیح داده خواهد شد، در «عمل» کارها بر عکس است. یعنی از نظر «نظم و نثر»، قرآن جمع آوری شده دوره خلفای اسلامی با اصلاحاتی در این جا و آن جا، رسمیت یافته و جا افتاده است. از آن پس، تغییر و جا به جا کردن «نظم و نثر قرآن» عنوان "تحریف کلام الله" به خود گرفته و جز در مواردی معدود<sup>215</sup>، به محرّمات دینی پیوسته است. اما به جای آن، «معنی و مفهوم، یا محتوی قرآن»؛ که به بیان قرآن و اعتراف خود اینان از آن خداست، برای تغییر و دست بردن مفسرین باز گذاشته شده است.

<sup>214</sup> از نظر اینان اگر معنی و مفهوم آیات بر سر جا بماند، تغییر نظم و نثر آن ها ایرادی ندارد. به بیان دیگر، تغییر و جا به جایی نظم و نثر قرآن به معنی تحریف و خدشه دار کردن قرآن و "کلام الله" نیست. از این رو، کسانی همچون ابو حنیفه، پایه گذار مذهب حنفی، خواندن قرآن به زبان فارسی (یا زبان های دیگر) را جائز می شمردند.

<sup>215</sup> به طور مثال، کتاب قرآن چاپ لیبی در دوره قذافی.

از این طریق، در طول سال ها و قرن ها کار و تولید معانی و مفاهیم مختلف قرآنی از سوی انواع شریعت سازانی که کارشان ایجاد معانی جدید آیات از راه تفسیر بوده، «قرآن هائی» نگارش یافته که:

- از نظر «نظم و نثر» یکی اند، ولی،  
- از نظر «معنی و مفهوم»، یا در واقع، آن چه "کلام الله" نامیده می شود، به شمارش فرقه های اسلامی، متکلمان و مفسران قرآن، متفاوت اند.

به بیان دیگر، در عمل و بر اثر دست بردن های مکرر در معنی و مفهوم، قرآن عبارت شده از:

- «یک نظم و نثر و تعدادی بی شماری معنی و مفهوم».

این سنت باز نگاری معنی و مفهوم قرآن کماکان ادامه دارد. باز هم هیچ کدام از شریعت سازان، چه متکلم و مفسر، یا فقیه، قاضی و عالم دینی، در نظم و نثر آیه ها دست نمی برند، یا جرئت دست بردن در «ظاهر» قرآن رسمی شده دوره خلفا را ندارند. ولی در عوض، آن گونه که در مثال های پیشین تجربه شد، به آسانی در معنی و مفهوم آیات، که «همه متفق القولند که از آن خداست»، دست می برند. و هر روزه بنا به مصلحت ها و منافع لحظه ای خود و اربابان دینی وقت، به عنوان تفسیر و تأویل این یا آن آیه قرآن، حرف تازه ای «از سوی خود»، ولی «به نام خدا» به بازار می آورند.

از این زاویه، ابداعات گوناگون این شریعت سازان:

- مستقیماً ابداعات ناقض "کلام الله" و از آن نظر:

- «ضد دینی» اند.

این است که هر گونه تبعیت مسلمانان از آن چه اینان "احکام دینی و قرآنی" و "شریعت اسلامی" می نامند، پشت کردن به محتوی قرآن و روگردانی از نظر خداست و منع دینی دارد.

### - پدیده تحریف مضاعف دوره مدرنیسم

دیدیم که بخشی از آن چه شریعت سازان اخیر بر معنی و مفهوم قرآن افزوده اند، سابقه قبلی و تاریخی ندارند، یا مواردی اند که در زمان های اخیر و بر اساس گفتمان های امروزی، از نو ساخته و پرداخته شده اند. این پدیده نیز البته تازه نیست و در سرتاسر تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلامی، هر که آمده عمارت دینی جدیدی ساخته، حرفی از حرف های بی حسابی را که از گذشتگان خود به ارث برده، رد کرده و حرف جدیدی را که مناسب زمان جدید بوده، جایگزین آن کرده است. این بوده که:

- نه تحریف معنی و مفهوم قرآن به پایان رسیده و  
- نه عبارت "کلام الله"، معنی و مفهومی «نهائی» یافته، و تغییر و تحریفش به پایان رسیده است.

سنت تغییر و تحریف قرآن، پس از ورود مدرنیسم اروپائی به کشورها و جوامع مسلمان نشین، شکل و رنگ دیگری به خود گرفت. در این دوره، با سرعت گرفتن گردش تحولات اجتماعی، تفاسیر قبلی و قرون وسطائی پاسخگو نشدند و سؤالاتی که با ورود دانش و علوم جدید به این جوامع مطرح می شدند، در هر لحظه تاریخی، پاسخ های جدیدی را طلب کردند. اسلام محافظه کار و به قولی مکتبی، نه درکی از این سؤالات داشت، نه پاسخی به این مسایل می داد. این در حالی بود که فقدان پاسخ در برابر سؤالات جدید، کل سیستم اسلام حکومت گر را با خطر فروپاشی رو به رو می کرد.

البته تا آن جایی که اسلام، «دین» بود و به ایمان دینی می پرداخت، مشکل چندانی وجود نداشت، ولی اسلام بنیادگرا، حکومت گرا و شریعت گرا که «دین اسلام» را نه «دین»، بلکه «حکم و قاعده سیاسی و حکومتی» می دانست، بدون تولید و عرضه ایدئولوژی اجتماعی قادر به ادامه حیات نبود. حتی دیگر قول پاداش بهشت آن جهانی و تهدید با جهنم این و آن جهانی نیز برای ترساندن، ترغیب، اقناع و به تبعیت و تسلیم واداشتن توده های تازه بیدار شده، طبقات نوین شهری و نسل های درس خوانده جوامع مسلمان نشین، کفایت نمی کرد.

از آن رو، با آغاز عصر مدرنیسم؛ عصر ورود تحولات و رشد علوم، سنت «دست بردن» برای «توجیه مشروعیت دینی حکومت ها» و «اصلاح حمایتی قرآن»، با شدت و سرعت دوباره و افزوده جریان یافت. باتیان و حاکمان شریعت که خود و مبانی دینی-دنیوی شان را در خطر می دیدند، رفته رفته به این جا رسیدند که حالا دیگر وقت محافظه کاری و وفادار ماندن به اوراد قرون وسطائی نیست و باید در ها را به روی مدافعات جدید دینی باز بکنند.

«دفاع به اصطلاح علمی» «عالمان به اصطلاح فکلی» از مبانی دینی، تنها راه برون رفت ممکن از این بحران دینی بود و مجوز خود را از این شرایط بحران می گرفت.

این است که مترجمین و مفسرین گوناگون قرآن، اجازه گرفتند تا بدون ترس از برخی از تابوهای سابق دینی، معنی و مفاهیمی را که پیشینیان شان به نام معنی قرآن فراهم آورده بودند، تغییر دهند و معانی و مفاهیمی بسازند که با دانش و آگاهی امروزی سازگاری داشته باشند و به بخشی از سوالات جدید پاسخ دهند.

از این راه، «هر که آمد عمارتی نو ساخت»، یا مجاز شد که به شرط دفاع از دین و مشروعیت حکومت اربابان دینی، «عمارت های نو» بسازد.

\*\*\*

این عمارت های دینی و شرعی، البته قبلاً هم به انگیزه سود های دینی و دنیوی، به تمامی روی پایه های قرآنی نایستاده بودند و بی تأثیر از ابداعات و مصالح خلفا، حاکمان و اربابان دینی نبودند، ولی حالا به خاطر سرعت تحولات:

- هم آن چه ساخته می شود، عمارت هائی دیگر است و به طور چشم گیر با عمارت های دوره های ماقبل مدرنیسم و سرمایه داری فرق می کند و،

- هم به خاطر فشار سرعت تحولات علمی و تکنولوژیکی جهانی، دیگر هیچ عمارت دینی برای مدتی قابل دوام و بقا نیست.

علوم و دانش به سرعت و شتاب شکل عوض می‌کنند و هر تحول اجتماعی، تا تثبیت نشده دچار تحولی دیگر می‌شود. این است که ابداعات و یافته‌های جدید شریعت سازان رنگارنگ، از متکلم و فقیه تا مفسر و ارباب دینی، دیگر مثل دوره‌های پیشین، صدها سال عمر نمی‌کنند و هر بنای جدید دینی، تا جا نیافتاده مجبور به تغییر و نوسازی می‌شود.

برای نمونه دیدیم که طالقانی و دیگر متکلمان بر آن بودند تا با حساب سرانگشتی، عدد نه اقمار دور خورشید را به هفت تایی قرآن برسانند. تازه اگر این کار «عوام فریبانه» به سببی پذیرفته می‌شد، هنوز دو دهه نگذشته صحبت از کشف یک قمر دیگر، به میان آمده است. این می‌رساند که دیگر حساب‌های سرانگشتی غیر علمی متکلمان دو دهه قبل هم به کار نمی‌آیند و باید کس یا کسان دیگری بیایند و با صغرا و کبرا چیدن‌های جدیدی، هم خود و قرآن را از محاسبات حمایتی طالقانی‌ها برهانند و هم طرحی نو در اندازند. این جاست که سروش با «استدلال انکاری» خود وارد صحنه می‌شود تا با انداختن گناه عدم صحت تعداد اقمار قید شده در قرآن به گردن «معرفت‌های دینی»، به آن جا برسد که اصلاً حالا "آسمان هفت تا هست" <sup>216</sup> یا نیست، مهم این است که خالق آن‌ها خداست. خالق کائنات خداوند است" <sup>217</sup>.

از اینان علی شریعتی، در چها دهه پیش سعی می‌کرد از راه انداختن گناهان به گردن آن چه وی «اسلام صفوی» می‌خواند، به برپائی «اسلام بنیادگرائی» که وی «اسلام علوی» نام نهاده بود، نایل شود. امروزه حداقل این دانش فراهم شده که این اسلام فرقه‌ای حاکم بر ایران، نه فقط بر خلاف ادعای شریعتی، «اسلام صفوی» نیست، بلکه

<sup>216</sup> ر. ک. به آیه ۲۸ سورة البقره به شرح: «او است که هر چه در زمین هست یکسره برای شما آفرید سپس به آسمان پرداخت و هفت آسمان به پا ساخت و به همه چیز داناست» (ترجمه تفسیر المیزان)

<sup>217</sup> ر. ک. به فصل «هفت آسمان بطلمیوس و فهم سیال اسلامی» در همین جلد.

خیلی نزدیک تر، «اسلام قاجاریه-استعماری»<sup>۲۱۸</sup> است و برای تغییر و اصلاح آن:

- نه «علوی کردن دین»، بلکه:
- جدائی مطلق دین از سیاست،
- تنها راه پاسخ درست به سؤالات مبتلابه امروز و فرداست.
- این به مفهوم، ۱- دینی نگهداشتن «نیمه دینی» و ۲- بشری کردن «نیمه دنیوی» دین و قرآن است.

این است که در دوره های اخیر، نه فقط تفسیرات قدیمی و گذشته به کرات دچار بازنویسی می شوند، بلکه مفسرین و متکلمان اسلامی جدید خود را مجبور می بینند که بحث های اقناع دینی - دنیوی خود را با «نقد اسلاف خود» آغاز کنند.

این همه اما پس از آن همه دستکاری به آن جا رسیده که امروزه آن چه به نام ترجمه و تفسیر قرآن عرضه می شود، دیگر قرآن در مفهوم سنتی آن نیست، بلکه از نظر معنی و مفهوم:

- ارقام نجومی طالقانی است،
- علوم مکانیک بازرگان است،
- حکمت دنیوی قمشهء ها، ناصر مکارم شیرازی ها، قریشی هاست و و و.

### -- از پیامبری تا خداوندگاری

در این شرایط جدید، دیگر معانی آیات بین "برادران" هم عصر یک فرقه هم با همدیگر فرق می کنند. دیگر درس خوانده های مکتب خانه ها و مدارس دینی هم خود را مجبور می بینند که مفاهیم آیات را بر علوم و دانش های روز بنا نهند و همراه با تغییرات و یافته های جدیدی علمی به تفسیرهای جدید و تغییر معنی و مفهوم دینی تن در دهند.

<sup>218</sup> ر . ک . به کتاب نویسنده تحت عنوان «توسعه مدرنیسم و اسلام گرایی در ایران و ترکیه».

شکل نگرش دینی هم با گذشته فرق کرده و موضوعات، آنی نیستند که در زمان انشایش بودند. این همه به چه معنی است:

- جز اصلاح معنی و مفهوم قرآن و یا بالاتر از آن، «بازنویسی و تجدید نظر» در آن،
- جز پیامبری قرآن و قرآن‌های جدید یا حتی بالاتر از این‌ها،
- جز عملاً "نازل" کردن آیات جدید و انجام کارهایی که فقط از خدا ساخته است؟

مجید محمدی، نویسنده کتاب «دین‌شناسی معاصر» چاپ ایران، به درستی به این موضوع اشاره می‌کند و نقش و ادعای پیامبری در اعمال و رفتار متکلمانی جدیدی چون شریعتی و سروش را در زیر ذره بین می‌برد.<sup>219</sup>

واقعیت آن است که پدیده خود را «نبی و رسول زمانه» دیدن در بین این متشرعین عام است و بسیاری از فعالان دینی و اسلامی، امروزه خود را نه فقط نبی زمان، بلکه مأمور ابداع و اجرای «احکام دینی خود ساخته‌ای» می‌بینند که گویا از سوی خدا آمده و خواست و نیت خداوند خالق جهان را بیان می‌کند. از همین رو:

- از نظر بنیادگرایان امروزی، انجام و عدم انجام نظریات شان، یکی را مسلمان یا کافر می‌سازد.

با چنین تفکری است که عبدالکریم سروش در کتاب آئین‌شهریاری و دینداری خود، پیامبر را با آنچه وی «حرکت آفرینی و انقلابی‌گری» می‌خواند، برابر می‌داند و با حذف کامل «گزینش الهی»، تئوری «تداوم نسل پیغمبران در تاریخ» را علم می‌کند. او از آن طریق، بی‌توجه به آیه قرآن در مورد پیامبری پایانی محمد (سوره احزاب، آیه ۴۰)، برای اثبات پیامبری خود و همپالکی‌های به اصطلاح «حرکت آفرین و انقلابی‌گرش» دلیل می‌تراشد.<sup>220</sup> از دید وی و هم‌مسلك‌های شریعت‌خواه اش:

---

<sup>219</sup> ر. ک. به مجید محمدی، پیشین، ص ۳۶۴.  
<sup>220</sup> عبدالکریم سروش، آئین‌شهریاری و دینداری، ص ۳۴ و ۴۰-۱۷.



- انگار که هر تحولی در دنیا، مستقیماً هدایت شده از آسمان و از راه دینداری است، و انگار که تحولات تکنولوژیکی و پیشرفت های علمی و صنعتی سده های اخیر را هم، نه فلسفه و علم سکولر و لائیک متکی به عقل و اندیشه بشری، بلکه پیامبران و از آن میان، این پیامبران خود برانگیخته متکلم و متشرع اسلامی و شیعه گری به بشریت هدیه داده اند<sup>۲۲۱</sup>.

بی سبب نیست که (گویا!) ما مسلمانان مشعل تمدن و رفاه جهانی را حمل می کنیم و کشورها و جوامع غربی که از این زنجیره پیامبران شریعت ساز اسلامی و فرقه ای محروم بوده اند، فقیر و عقب مانده و تحت ستم باقی مانده اند!

\*\*\*

سروش اما از این نظر حق دارد که خود و هم مسلک هایش را نبی و رسول بخواند. به راستی که با این «دست بردن ها در معنی و مفهوم قرآن و وحی الهی»:

- هر متکلم و مفسر اسلامی، پیامبری جدید است.  
اما واقعیت این است که کاری که این شریعت سازان انجام می دهند، حتی از پیامبر قرآن هم بر نمی آید. وی حتی از این نظر از سوی خدا تهدید می شد که اگر به کار دست بردن، که «پیامبران خود برانگیخته امروزی» به راحتی انجامش می دهند، بر می خاست و معنی و مفهوم آیات خدا را تغییر می داد، خداوند دست راستش را می گرفت و شاهرگش را قطع می کرد: 'ای اگر (محمد) بر ما (از دروغ به ما)<sup>۲۲۲</sup> سخنانی می بست، دست راستش را می گرفتیم، سپس شاهرگش را قطع می کردیم و هیچ یک از شما مدافع او نبود' (سوره الحاقه، آیه ۴۷-۴۴)<sup>۲۲۳</sup>.

۲۲۱ ر. ک. به عبدالکریم سروش، آئین شهریاری و دینداری.

۲۲۲ قرآن، ترجمه حسین محی الدین الهی قمشه.

۲۲۳ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

این می‌رساند که دست‌بردنی که اینان در معنی و مفهوم قرآن می‌کنند، حتی از عهده پیامبرش هم بر نمی‌آید، بلکه بر اساس باورهای دینی اسلام، فقط از «خدا» ساخته است. اینان، از این رو:

- کار خلق معانی جدید آیات را با خدا قسمت می‌کنند و خود را در این کار مهم با خدا شریک می‌پندارند.

قبلاً نتیجه شده که از آن جا که این ادعاهای پیامبری و خدائی تنها سپر دفاعی حاکمان دینی در برابر توسعه دانش و تحولات اجتماعی اند، هیچ صدا و واکنشی ایجاد نمی‌کنند و به آسانی، سکوت رضایت‌آمیز دین‌سالاران و دین‌فروشان را به دنبال می‌آورند. این سکوت و رضایت، محصول دوره بحران ناشی از لزوم عرضه دست‌آورد های علمی و همچنین محصول آن است که امروزه نمی‌توان مردم را به آسانی زمان‌های پیشین، با ادعاهای غیرمنطقی و غیرعقلانی و با صرف حرف و کلام قرون وسطائی قانع کرد و به کنترل در آورد.

#### - راه دینی «قرائت با واسطه»، دینی نیست

این در و دروازه باز برای بازنویسی قرآن، که سیاست «حمایت از دین و حکومت دینی» «به هر بهائی» را در برنامه دارد، در ادامه کار خود، راه را برای هر چه بیشتر خدشه دار شدن «قرائت دینی رسمی و با واسطه» هموار می‌کند و اصل و اساس صلاحیت و صحت دینی آن را به زیر سؤال می‌برد.

در ضمن، این همه «تحریف و سانسور» که در طول صدها سال دوام آورده و گاهی حتی منظور و مفهوم آیات را به تمامی تغییر داده و آیاتی جدید با معانی کاملاً متفاوت به وجود آورده، قبل از همه نشان می‌دهند که:

- قرائت دینی «رسمی و با واسطه» تا چه اندازه مخدوش و اطلاعات دینی موجود تا چه حد سانسور و تحریف شده اند.

این جاست که آگاهی از این واقعیت تلخ و نومیدکننده، سوالات فراوانی را در مورد صحت دینی مطرح می‌کند و قبل از همه این اندیشه را ایجاد می‌کند که با وجود این سابقه و سنت چندین و چندین صد ساله:

- چه حدود و مقداری از احکام قرآن که خود این شریعت سازان، مقدس و الهی بودن جزء به جزء آن را تبلیغ می کنند، مورد این گونه سانسورها و «دست بردن های تحریفی» قرار گرفته اند و تا چه حدی، تصاویر بدون روتوش از دین و قرآن را به نمایش می گذارند؟  
- با وجود این همه دست بردن ها، به کدام ترجمه و تفسیر ظاهراً با امانت قرآن، می توان اعتماد کرد؟ و،  
- اصولاً چگونه می توان با این همه دست بردن ها در معنی و مفهوم آیات قرآن، دینی بودن این یا آن حکم ملقب به "دینی و اسلامی"، یا شرعی" را باور کرد و به عنوان «مسلمان دینی»، خود را در برابر آن ها مسئول و متعهد دانست؟

پاسخ هر چه می خواهد باشد، این همه نشان می دهد که با وجود این همه تحریفات تاریخی:  
- راه قرائت «رسمی و با واسطه دینی» شدیداً تحت تأثیر سوداهای دنیوی و انواع تردستی های دین سازی ها و دین فروشی های کهنه و نو، غیر قابل اطمینان و اعتماد است و به هیچ هدایت دینی منجر نمی شود.